نگاه

آنان که می‌توانستند زنده بمانند

محمد بلوری

برخی از حوادث و اتفاقات ناگوار به علت اهمال و بی‌توجهی مسئولان در چاره‌جویی و پیشگیری از وقوع چنین حوادثی، آن‌قدر تکرار می‌شوند که به صورت وقایع عادی جلوه می‌کنند و با همه دلخراش بودن نه واکنش قابل توجهی در جامعه پدید می‌آورند و نه احساس وظیفه بعضی از مسئولان را برمی‌انگیزند. یکی از مدرسان دانشگاه تعریف می‌کرد: «در کلاس درس دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری از میان چند خبر فرضی مربوط به حوادث مختلف، قرار بود مهمترین و جالب‌ترین خبر را برگزینند و برای این خبر تیتر مناسبی انتخاب کنند. یکی از خبرهای فرضی تصادف اتوبوس مسافربری در جاده را نقل می‌کرد که طی آن پنج مسافر کشته شده بودند و بقیه خبرها مربوط به حوادث مختلفی بود، از جمله فرار یک گاو جنون‌زده از کشتارگاه به خیابان‌های شهر. نتیجه این نظرسنجی خبری جالب توجه و قابل تامل بود. بسیاری از دانشجویان فرار گاو از کشتارگاه را به عنوان جالب‌توجه‌ترین خبر انتخاب کرده بودند و از میان بیش از ۳۰ دانشجو، فقط یک تن مرگ ۵ مسافر اتوبوس را مهم‌تر از بقیه حوادث تلقی کرده بود. وقتی نظرشان را درباره مهم ندانستن این خبر پرسیدم جواب شنیدم: کشته شدن چند نفر در جاده‌ها آن‌قدر تکرار می‌شود که جذابیتش را برای خوانندگان نشریات از دست داده و روزنامه‌ها هم چندان رغبتی برای درشت‌نمایی تیترهای مربوط به تصادفات ندارند...» در این نظر نگاه به تصادفات جاده‌ها، حقیقت تلخی نهفته است. هر سال بر اساس آمار پلیس بیش از ۲۴هزار نفر در حوادث رانندگی کشور کشته می‌شوند که خون بیشتر این قربانیان در جاده‌های کشور به زمین می‌ریزد و اگر معلول شدن هزاران نفر از مجروحان تصادف را در نظر بگیریم، عمق فاجعه نمایان‌تر می‌شود. در این گونه وقایع، گاهی به بی‌توجهی مسئولان نسبت به علل و مشکلات ساده‌ای برمی‌خوریم که برطرف کردن آنها به آسانی و بدون صرف هزینه‌های سنگین ممکن است و می‌تواند از برخی حوادث در جاده‌ها پیشگیری کند. به عنوان مثال همین دیروز یک دانشجوی دانشگاه شهرکرد در حادثه اتوبان مقابل دانشگاه جان سپرد و جمعی از دانشجویان شهرکرد در تجمعی اعتراض‌آمیز خواستار تامین امنیت جانی دانشجویان با احداث یک پل هوایی در مقابل دانشگاه شدند. این دانشجویان با اشاره به تصادفات شدید و خونینی که بارها طی سه سال اخیر در این نقطه از بزرگراه رخ داده برای حفظ جان دانشجویان خواستار ایجاد یک پل هوایی و جلوگیری از تجمع و توقف تاکسی‌های درون‌شهری شدند که صحنه ورودی دانشگاه را تبدیل به یک ترمینال مسافربری کرده است. به گفته دانشجویان مدت سه سال است که با خطراتی در مقابل محل ورودی دانشگاه روبه‌رو هستند و تاکنون هیچ مسئولی به فکر چاره‌جویی و حل این مشکل کم‌هزینه نیفتاده است.

...

حقیقت تلخ‌تر را چندی پیش یک مقام پلیس اعلام کرد و یادآور شد: «از ۲۴ هزار نفری که در حوادث رانندگی کشته می‌شوند، بیشترشان نه در زمان تصادف بلکه در راه رساندن مجروحان به مراکز درمانی می‌میرند و یا در بیمارستان‌ها جان می‌دهند. بارها اتفاق افتاده که یک اتوبوس مسافربری در جاده‌ای تصادف کرده و مجروحان حادثه ساعت‌ها در کنار جاده‌ها برای رسیدن یک آمبولانس از شهری نزدیک در میان مردگان به انتظار مانده‌اند و در مواردی شهرهای نزدیک به محل حادثه خبر داده‌اند که اصلاً آمبولانسی ندارند و به این ترتیب برخی از مجروحان تا رسیدن به بیمارستان به جمع کشته‌شدگان پیوسته‌اند. امروزه در بسیاری از کشورها که نجات جان انسان‌ها و سلامت آنان در راس فوریت‌ها است، با ایجاد مراکز درمانی مجهز در شهرها و جاده‌ها و تجهیز امکانات امدادرسانی زمینی و هوایی به جنگ ثانیه‌ها رفته‌اند تا زمان رساندن مجروحان و بیماران نیازمند به فوریت‌های پزشکی را به کوتاه‌ترین مدت تقلیل دهند و برخی از کشورها حداکثر زمان انتقال بیماران از هر نقطه شهری و برون‌شهری به مراکز درمانی را هشت دقیقه تعیین کرده‌اند.» مرگ آن جوان فوتبالیست که چند روز پیش اتفاق افتاد، نمونه بارز و تاسف‌باری از نحوه رساندن مجروحان به مراکز درمانی است. رضا حسن‌زاده مدافع تیم تراکتورسازی تبریز که همراه با همبازی‌هایش با اتومبیل از عسلویه باز می‌گشت در تصادف با یک کامیون دچار ضربه مغزی شد. آنگونه که یکی از سرپرستان تیم تبریزی تعریف می‌کند جوان مجروح با حال وخیمی که داشت مدت سه ساعت در بحرانی‌ترین وضع حیاتی در عسلویه بر زمین ماند و نتوانستند موافقت پرواز تنها هلیکوپتر موجود را برای انتقال او به بیمارستان در بوشهر بگیرند و سرانجام ناگزیر شدند او را با یک اتومبیل به بوشهر فرستادند که چهار ساعت طول کشید تا به بیمارستانی در این شهر رسید. حوادث رانندگی پیاپی تکرار می‌شود، روزنامه‌ها مدام از جاده‌های پرخطر، نبودن تجهیزات امدادرسانی و امکانات اندک بیمارستان‌ها می‌نویسند، بی‌آنکه مسئولان به تعداد قربانیانی بیندیشند که با همت و چاره‌اندیشی آنان می‌توانستند زنده بمانند.

خبر

قتل در ساختمان نیمه‌کاره

شرق: با پیدا شدن جسد مرد ۶۴ساله‌ای در یک ساختمان نیمه‌کاره واقع در بزرگراه اشرفی اصفهانی، ماموران پلیس آگاهی تهران تحقیقاتی را برای دستگیری قاتل یا قاتلان آغاز کرده‌اند. وقوع این قتل ساعت ۵ بامداد دیروز به کلانتری ۱۴۰ باغ فیض اطلاع داده شد و پسر جوانی با کلانتری تماس گرفت و به ماموران گفت: پدرم کارگر یک ساختمان در اشرفی اصفهانی بود. ساعتی پیش وقتی به محل کار پدرم در ساختمان نیمه‌کاره رفتم با جسد غرق در خون او روبه‌رو شدم. ماموران در محل جنایت حاضر شدند و ضمن تحقیق پی بردند که جسد متعلق به مرد ۶۴ ساله‌ای به نام عبدالعزیز است که فرد یا افرادی با یک میله آهنی چند ضربه به سر او وارد آورده و باعث مرگش شده‌اند.

حوادث

حکم پرداخت دیه نقض شد

محاکمه متهمان قتل مرد مدعی ارتباط با امام زمان

گروه اجتماعی، عاطفه آزاد: با نظر دیوان عالی کشور متهمان به قتل مرد جوانی که عاملان قتل ادعا می‌کردند او خود را نایب امام زمان معرفی کرده، برای سومین بار محاکمه می‌شوند. این دو مرد متهم هستند مرد جوان را با ادعای مهدورالدم بودن به قتل رسانده و جسدش را به آتش کشیده‌اند. میانه روز بود که ماموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد پس از دریافت گزارش کشف یک جسد در حوالی جاده قدیم کرج در محل حاضر شدند. ماموران جسد سوخته مردی حدود ۳۰ ساله را مشاهده کردند که شناسایی او ممکن نبود و اثر بریدگی در پهلویش مشاهده می‌شد. پلیس با انتقال جسد، شناسایی او را آغاز کرد تا اینکه متوجه شد پنج روز قبل یعنی هفتم اردیبهشت سال ۸۱ مردی به نام محمد با مراجعه به کلانتری مفقود شدن برادرش را خبر داده است. با این سرنخ محمد فراخوانده شد و با وجود آثار موجود، جسد سوخته بیژن برادرش را شناسایی کرد. او در اظهارات خود به پلیس از ملاقات آن روز برادرش با شخصی به نام قاسم گفت که پس از آن ملاقات برادرش دیگر هرگز به خانه بازنگشته بود. شناسایی و تحقیق از قاسم در دستور کار پلیس قرار گرفت و آنها موفق شدند شخص دیگری به نام مرتضی را نیز شناسایی و بازداشت کنند. متهمان در بازجویی به قتل بیژن ۳۰ ساله اعتراف کرده و انگیزه ارتکاب قتل را مهدورالدم بودن بیژن عنوان کردند. دو متهم در اظهارات خود از آشنایی چندین و چندساله با بیژن گفتند که در آن زمان مقتول فردی به ظاهر متدین و معتقد بوده که رفتارش متهمان را مجذوب کرده بود تا جایی که مریدش شده بودند. متهمان اما ادعا کردند: ما بعدها متوجه شدیم او برای سوءاستفاده از ما آن‌گونه رفتار می‌کرده تا جایی که روزی مدعی ارتباط با امام زمان شد و از کتاب‌های مختلف احادیث زیادی برایمان خواند. مریدان او روزبه‌روز بیشتر می‌شدند و او افراد بیشتری را اغفال می‌کرد. مدتی بعد بیژن خود را امام زمان معرفی کرده و شروع به بدعت‌گذاری در دین کرد و مدعی ایجاد دین تازه‌ای شد. متهمان در اعترافات خود همچنین ادعا کردند که بیژن مقتول پرونده پس از ادعای ایجاد دین تازه اقدام به توهین به مقدسات و سب‌النبی کرده که موجب گمراهی آنها و سایر مریدان خود شده است. متهمان پس از این اظهارات اعتراف کردند که پس از مدتی از جرگه مریدان بیژن خارج شده و او را فردی مفسدفی‌الارض تشخیص داده‌اند که می‌بایست به سزای عملش برسد.

متهمان جسد را به محل خلوت منتقل کردند

■ شب جنایت

متهمان اعتراف کردند که در شب حادثه قرار ملاقات با مقتول داشتند که با همکاری هم بیژن را بربایند و قصد داشتند او را وادار کنند دست از توهین به مقدسات بردارد. متهمان چسبی که بر دهان بیژن زده بودند را برداشته و شروع به صحبت با او کردند اما او نپذیرفته و همه حوادث را امتحان الهی خوانده بود. متهمان طنابی را که به همراه داشتند دور گردن بیژن حلقه کرده و هر یک از سویی شروع به کشیدن آن کردند تا مرد ۳۰ ساله خفه شد. متهمان پس از آن جسد را داخل کارتن گذاشته و آن را با موتور به محلی خلوت در حوالی جاده قدیم کرج که مشرف به چند کارخانه و کارگاه بود، منتقل کرده و با ریختن بنزین بر روی جسد آن را به آتش کشیدند. متهمان البته با پذیرش اتهام قتل با بیان اینکه مقتول ۶ سال با اعتقادات ما بازی کرده بود ادعا کردند که شخص مفسدفی‌الارض را با اعتقاد به مهدورالدم بودن به قتل رسانده‌اند.

■ ادعایی دیگر

پلیس در جریان تحقیقات از محمد برادر مقتول هم تحقیق کرد و او مسائل جدیدی را مطرح کرد. او از ارتباط بیژن و متهمان با فردی به نام علیرضا گفت که ادعای ارتباط با امام زمان را داشت و بیژن و افراد زیادی مریدان جرگه او بودند. علیرضا مدتی بعد در سال ۷۸ در حالی که مریدان زیادی را در جمکران در اطراف خود جمع کرده بود، دستگیر شده و به زندان افتاد اما قبل از دستگیری از برادرم، متهمان پرونده و سایر مریدان خود مبالغی وجه نقد دریافت کرده بود که دیگر به آنها پس نداد. برادرم ۶ ماه پیش از جنایت، به کمک اقوام خودرویی خریداری کرد که موجب شد متهمان تصور کنند او با علیرضا همدستی کرده و پول‌ها را برداشته و آنها را فریب داده است. البته تحقیقات از همکاران و سایر آشنایان و اهالی محل درخصوص بیژن حکایت از این داشت که او شخصی متدین است که ادعای ارتباط با امام زمان نداشته است. با تکمیل تحقیقات، مرتضی ۲۸ساله و قاسم ۲۵ساله مجرم شناخته شدند و قاضی شعبه ۱۱۵۶ دادگاه عمومی جزایی تهران با رد مهدورالدم بودن مقتول، دو متهم را به قصاص محکوم کرد اما هنگامی که پرونده با تجدیدنظرخواهی متهمان به دیوان‌عالی کشور ارسال شد یکی از اولیای‌دم به سن قانونی رسید و دیوان‌عالی کشور نیز خواستار اعلام نظر او درخصوص مجازات متهمان شد. پرونده بار دیگر به شعبه ۱۱۵۶ بازگشت اما این‌بار قاضی با استناد به اعتقاد متهمان به مهدورالدم بودن مقتول براساس تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی قتل را شبه‌عمد تشخیص داده و متهمان را به پرداخت دیه و پنج سال حبس محکوم کرد. با تقاضای تجدیدنظر متهمان پرونده برای دومین‌بار به دیوان‌عالی کشور رفت اما شعبه ۳۳ دیوان حکم صادره را نقض کرده و پرونده برای رسیدگی به شعبه دیگری ارجاع شد.

درخواست مجازات مرگ برای قاتل زنان خانه‌دار

گروه اجتماعی: بازپرس دادسرای جنایی تهران دیروز قرار مجرمیت متهم به قتل زنان خانه‌دار را صادر کرد و از دادگاه کیفری تهران خواستار مجازات قصاص برای او شد. این مرد جوان به نام علیرضا با همدستی یک دختر دانشجو به بهانه خرید خانه، وارد آپارتمان‌ها می‌شد و زنان خانه‌داری را که در منزل تنها بودند به قتل می‌رساند. این مرد در بازجویی‌ها اعتراف کرده که ابتدا با خواندن آگهی‌های فروش خانه در روزنامه‌ها به‌عنوان خریدار با صاحبان منازل تماس می‌گرفت و از میان آنان برای دیدن ساختمان با زن صاحبخانه قرار می‌گذاشت. وی زمانی را برای حضور در خانه انتخاب می‌کرد که زن خانواده در آپارتمان تنها بود. علیرضا اعتراف کرده که همراه با همدستش (دختر دانشجو) به بهانه بازدید وارد آپارتمان‌ها می‌شد و با این کمک دختر ابتدا دست و پای زن تنها را در منزل می‌بست و پس از کشتن او و سرقت مقداری پول، طلا و جواهر، هر دو از صحنه جنایت فرار می‌کردند. علیرضا و همدستش اعظم صبح دیروز از زندان به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران انتقال یافتند تا بازپرس آخرین دفاعیات این دو را بشنود و سپس قرار مجرمیت صادر کند. علیرضا، قاتل سریالی زنان خانه‌دار که با کشتن سه زن به جانی طناب‌قرمز معروف شده بود، در دی‌ماه سال گذشته توسط ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران، شبانه در خانه‌اش واقع در سعادت‌آباد دستگیر شد و کارآگاهان همدستش اعظم را هم که در قتل‌ها با وی همکاری می‌کرد، در خانه‌اش واقع در تهرانپارس بازداشت کردند. آن شب علیرضا از خانه‌اش در سعادت‌آباد با اعظم تلفنی تماس گرفته و برای کشتن چهارمین زن قرار گذاشته بود که پلیس با ردیابی تلفن موفق به شناسایی محل سکونت علیرضا و دستگیری او شد. علیرضا گفته است: «برای قرار با اعظم از تلفن‌های عمومی استفاده می‌کردم ولی این‌بار از منزلم با او تماس گرفتم.» ماجرای قتل‌های زنان خانه‌دار با کشته شدن زنی ۵۰ساله به نام فرحناز در ۲۶آذرماه آغاز شد. این زن را در آپارتمانش واقع در خیابان گاندی تهران پس از بستن دست‌ها و پاهایش با یک طناب قرمز خفه کرده بودند و چند ضربه چاقو هم بر بدنش وارد آمده بود. پی از این جنایت دو زن خانه‌دار دیگر در روزهای ششم و یازدهم دی‌ماه با همین شیوه به قتل رسیدند که علاوه بر ضربات چاقو بر پیکرشان، یک رشته طناب قرمز هم بر گردن‌شان گره خورده بود. علیرضا قاتل ۳ زن خانه‌دار، کارشناس مهندسی کشاورزی است. وی هیچ‌گونه سابقه کیفری ندارد و پزشکان قانونی او را از نظر روانی صددرصد سالم تشخیص داده‌اند. این مرد پدری ثروتمند دارد که تجارت فرش می‌کند. اعظم همدست علیرضا هم دانشجوی ترم سوم رشته مدیریت بود و همراه خانواده‌اش در تهرانپارس زندگی می‌کرد. این دختر ابتدا در محل عکاسی و فیلمبرداری علیرضا مشغول به کار شد و به گفته خود به خاطر مخارج زندگی و هزینه تحصیل به همکاری با او تن داده است. مقتولان فرحناز (۵۰ ساله)، مهناز (۴۹ ساله) و شهره (۴۱ ساله) نام داشتند که قاتلان بعد از قتل اشیای قیمتی و مقداری پول از محل زندگی‌شان سرقت کرده بودند. علیرضا صبح دیروز در آخرین دفاع خود به بازپرس هنرمند گفت: من هر سه قتل را قبول دارم. حتی قرار بود قبل از دستگیری با اعظم برای کشتن زنی دیگر قرار بگذارم و شیوه قتلمان را تغییر بدهیم که در دام پلیس گرفتار شدیم. وی گفت: من فیلمبردار مجالس هستم. ۲ سال قبل این دختر به‌عنوان کارآموز به دفتر کارم آمد و مشغول به کار شد. از آنجا با هم ارتباط کاری داشتیم. من پنج سال قبل ازدواج کردم و یک دختر ۴ ساله هم دارم. من به‌خاطر سرقت این قتل‌ها را انجام داده‌ام! بیست میلیون تومان از یک نفر نزول کرده بودم و نمی‌توانستم نزولش را بدهم. ضمناً خیلی از پدرم پول گرفته بودم و می‌خواستم روی پای خودم بایستم. به قصد سرقت وارد خانه زن‌های تنها می‌شدم و از ترس اینکه مرا لو ندهند، آنها را می‌کشتم. زن‌ها را هم از روی آگهی فروش خانه‌ها انتخاب می‌کردم. اول تلفن می‌کردم و برای دیدن خانه قرار ملاقات می‌گذاشتم. بعد همراه اعظم به سراغ‌شان می‌رفتیم. اگر زنی در منزل تنها بود او را همان موقع می‌کشتیم ولی اگر کسی در خانه بود یا موقعیت فراهم نمی‌شد قرار یک روز دیگر را می‌گذاشتیم. البته با دو زن خانه‌دار دیگر هم برای کشتن آنها قرار ملاقات گذاشته بودم، اما دیگر به سراغشان نرفتیم. بازپرس از علیرضا پرسید: چطور زن‌ها را می‌کشتی؟ علیرضا گفت: اول تهدیدشان می‌کردم که اگر سر و صدا کنند آنها را می‌کشم بعد با کمک اعظم دست و پایشان را می‌بستم و با چاقو به گردنشان می‌زدم. البته پتویی روی سرشان می‌انداختم تا وقتی می‌کشم‌شان چشمم به چشم آنها نیفتد. سپس اعظم در حضور بازپرس قرار گرفت. این دختر ۲۲ ساله که در بازجویی‌های اولیه اعتراف کرده بود که هنگام بستن طناب به علیرضا کمک کرده است دیروز منکر اتهام معاونت در قتل‌ها شد و گفت: من اتهام سرقت را قبول دارم اما هیچ نقشی در قتل‌ها نداشتم و به علیرضا کمکی نکرده‌ام. من نمی‌دانستم که علیرضا قصد قتل قربانیان حادثه را دارد. من یک دانشجو بودم که به دلایل نیاز مالی و عاطفی ناخواسته فریب علیرضا را خوردم و قدم در راهی گذاشتم که متاسفانه انتهای آن گوشه زندان بود. در پایان، عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع اعظم (متهم ردیف دوم) به بازپرس گفت: متاسفانه در این ماجرا از اعظم به عنوان یک طعمه و ابزار به منظور جلب اعتماد قربانیان پرونده نهایت سوء استفاده شده است. اعظم می‌گوید که از قصد علیرضا برای قتل زنان کاملاً بی‌اطلاع بوده است. بازپرس دادسرای جنایی بعد از پایان جلسه آخرین دفاع قرار مجرمیت متهمان را صادر کرد و به‌زودی پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری فرستاده می‌شود تا در آینده نزدیک هر دو محاکمه شوند. بازپرس برای علیرضا درخواست قصاص (اعدام) و برای اعظم به اتهام معاونت در قتل و سرقت خواستار مجازات زندان شده است.

۱۲ هزار کاسه آش خورده شد

عکس: مهدی حسنی، شفق

گروه اجتماعی: دومین جشنواره ملی آش زنجان با اهدای یک کیلو نقره به بهترین آش‌پز، بعدازظهر فردا به کار خود پایان خواهد داد. جشنواره آش از ظهر روز دوشنبه با حضور ۲۷ استان کشور آغاز شد و در کنار مسابقات آش‌پزی و آش‌خوری، فروش صنایع دستی و سوغات سایر استان‌های کشور را به همراه داشت. نمایش رقص‌های بومی و محلی نیز از دیگر برنامه‌های شب‌های پرستاره زنجان در چند شب گذشته بود که از استان‌های کردستان، کرمانشاه و... این برنامه‌ها اجرا می‌شد. مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری زنجان با اشاره به استقبال بی‌نظیر اهالی شهر برای مشارکت در این جشنواره از احتمال برگزاری سومین جشنواره آش به صورت بین‌المللی در سال آینده خبر داد و گفت: با توجه به اینکه آش در کشورهای دیگر مثل آسیای میانه نیز در فرهنگ غذایی وجود دارد سومین جشنواره آش به صورت بین‌المللی برگزار خواهد شد. یحیی رحمتی از استقبال تورهای یک‌روزه تهرانی برای این جشنواره خبر داد و تاکید کرد: با رشد و گسترش صنعت گردشگری در منطقه به تجهیز زیرساخت‌ها خواهیم پرداخت. به گفته وی به طور میانگین روزانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر در این جشنواره شرکت کردند. انواع آش ترش زنجان، آش ماست، دوغ، آش رشته شهرهای مختلف، آش گندم، آش گوجه و... از جمله آش‌هایی بود که در این جشنواره پخته و هر کاسه آن به قیمت ۴۰۰ تومان به مردم فروخته شد. در دومین روز جشنواره ملی آش، ۱۲ هزار کاسه آش توسط شرکت‌کنندگان خورده شد.

عکس روز

مدیرعامل شرکت واحد:

اتوبوس‌های گازسوز هوا را آلوده‌تر می‌کند

گروه اجتماعی: محسن هاشمی مدیرعامل شرکت مترو صبح دیروز در یازدهمین نشست معاونین ترافیکی شهرداری‌های کلانشهرها ضمن انتقاد از پروسه واگذاری فاینانس گفت: پس از برگزاری مناقصه پیمانکار انتخاب می‌شود، سپس باید مصوبه شورای شهر گرفته شود و در مرحله بعد کارشناسان وزارت کشور باید صحت مناقصه را تصویب کنند. بعد از این مراحل کمیسیون ساخت داخل سازمان بودجه و برنامه‌ریزی اظهارنظر می‌کند و در صورت موافقت موضوع دریافت فاینانس به شورای اقتصاد اعلام می‌شود تا تصویب و به بانک مرکزی ابلاغ شود. در این بین اداره سیاست‌ها و تخصیص و اعتبار نیز باید نظر خود را اعلام کند تا پرونده برای مشخص شدن بانک عامل تجاری و بانک عامل خارجی آماده شود. گشایش اعتباری اسنادی نیز با توجه به لزوم تامین اعتبار ریالی و گذشتن از شورای پول و اعتبار کشور چندین ماه زمان می‌برد تا در مرحله آخر شهرداری‌ها موظف شوند با استناد به قوانین جاری کشور ۵۰ درصد ضمانت لازم برای دریافت فاینانس را ارائه دهند. این پروسه دریافت فاینانس خارجی (دریافت وام از خارج) برای شهرداری‌های سراسر کشور است که به اعتقاد مدیرعامل شرکت مترو تهران با توجه به زمان‌بر بودن آن و همچنین جدی بودن آخرین مانع یعنی معرفی ضمانت ۵۰ درصدی دریافت آن عملاً غیرممکن است. محسن هاشمی که صبح دیروز به عنوان تنها مدیری که تا به امروز موفق به استفاده از فاینانس خارجی شده است سخن می‌گفت با اعلام این موانع افزود: «بنابراین فکر می‌کنم برای تحقق منابع مالی دیده شده در تبصره ۱۳ از همین امروز باید فکر کنیم در غیر این صورت هیچ شهرداری موفق به دریافت آن نخواهد شد.» تبصره ۱۳، بخشی از قانون جدیدی است که براساس آن دولت و مجلس با اختصاص ۵ میلیارد دلار اعتبار برای تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی شهرهای کشور موافقت کرده‌اند. براساس این تبصره یک میلیارد دلار به صورت ریالی به شهرداری‌ها پرداخت می‌شود و برای ۴ میلیارد دلار دیگر به شهرداری‌ها مجوز دریافت وام خارجی ارائه می‌شود. اما با این حال محسن هاشمی معتقد است که با توجه به قوانین و بوروکراسی موجود استفاده از این ۴ میلیارد دلار عملاً غیرممکن است «به صورت تبلیغاتی از این تبصره سخن گفته می‌شود، اما این پروسه اجازه رسیدن پول به شهرداری را نمی‌دهد.» در این نشست همچنین احمدی‌بافنده مدیرعامل شرکت واحد نیز گفت که اتوبوس‌های گازسوز هیچ تاثیری در کاهش آلودگی نداشته و حتی هوا را آلوده‌تر هم می‌کنند. به گزارش خبرگزاری فارس معاون ترافیکی شهردار تهران نیز در این نشست اعلام کرد: با وجود گذشت ۲ ماه از سال هنوز بودجه حمل‌ونقل کلانشهرها توزیع نشده است. مهرداد تقی‌زاده در یازدهمین نشست معاونان حمل‌ونقل و ترافیک کلانشهرهای کشور به‌عنوان اولین سخنران این نشست، ضمن اظهار گلایه از دخالت و تصمیم‌گیری افراد غیرمتخصص در زمینه مسائل ترافیکی تصریح کرد: بدون شک ساماندهی ترافیک کلانشهرهای کشور نیازمند ایجاد مدیریت واحد و اختصاص بودجه مورد نیاز آنها است اما متاسفانه نه تنها با وجود تاکیدات مکرر مدیریت واحدی وجود ندارد بلکه با وجود گذشت ۲ ماه از سال هنوز اعتبار حمل‌ونقل کلانشهرها از سوی دولت توزیع نشده است. یازدهمین نشست معاونین ترافیکی شهرداری‌های کلانشهرها که به میزبانی تهران برگزار شد صبح دیروز بدون بررسی راهکارهای حل معضل ترافیک به کار خود پایان داد.

خبر روز

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

اتوبوس‌های بازیافت نیامد

سازمان بازیافت اتوبوس‌های فرهنگی دارد که برای آموزش به مدارس مختلف می‌فرستد. چون دانش‌آموزان مدرسه ما کار تشویقی در زمینه بازیافت انجام دادند از ۱۵ اسفندماه قرار بود که این اتوبوس‌ها به مدرسه ما هم بیایند ولی از آن تاریخ تاکنون هر بار تماس گرفته‌ایم یا می‌گویند اتوبوس خراب است و یا اینکه... به هر حال به بهانه‌های مختلف تا امروز که ۲۶ اردیبهشت است موفق به آوردن این اتوبوس‌ها به مدرسه نشده‌ایم.

مظلومیت دبیران غیرانتفاعی

دبیران مدارس غیرانتفاعی بسیار مظلوم واقع شده‌اند این دبیران توسط آموزش و پرورش گزینش و تایید شده‌اند و بعد در مدارس به کار تدریس مشغول می‌شوند. ولی حقوق‌شان بسیار کم است و هیچ‌گونه بیمه‌ای هم ندارند. در سال جدید قرار است که معلمان جدیدی به استخدام آموزش و پرورش درآیند خواستم بپرسم که آیا فکری هم برای دبیران غیرانتفاعی شده است یا خیر؟

حقوق بازنشستگی براساس حروف الفبا

اینجانب مستمری‌بگیر سازمان تامین اجتماعی هستم. ۵ سال پیش بازنشسته شدم و پنجم هر ماه نیز حقوق بازنشستگی من داده می‌شد. اما این ماه که برای گرفتن حقوق رفتم، به من گفته شد چون اول نام فامیلی شما با حرف «و» شروع می‌شود بروید و ۲۶ اردیبهشت ماه برای گرفتن حقوق خود بیایید. در حال حاضر پول آب و برق و گاز را ندارم که بدهم و زندگی من به‌خاطر این مسئله مختل شده است. واقعاً نمی‌دانم براساس چه معیاری تاریخ دادن حقوق بازنشستگان را برحسب حروف الفبا تنظیم کرده‌اند. آیا این درست است که کسی که حرف اول فامیلش با «ا» شروع می‌شود اول هر ماه حقوق بگیرد و من به‌خاطر اینکه نام فامیلم با «و» شروع می‌شود، آخر ماه حقوق بگیرم. آیا مبنای دادن حقوق براساس حروف الفبا شیوه درستی است؟ از مسئولان سازمان تامین اجتماعی خواهش می‌کنم به این مسئله رسیدگی کنند تا حقوق ما مثل سابق همان اول هر ماه داده شود.

درباره انتخابات خبرگان بنویسید

دکتر حاتمی از تهران: تقاضا می‌کنم کمی هم از اخبار و برنامه‌های احزاب و گروه‌ها و تشکل‌ها درباره انتخابات خبرگان بنویسید. از آنجایی که اطلاعات مردم درباره نهادهای زیر نظر شورای نگهبان کم است در مورد آیین‌نامه‌ها و کمیسیون‌های مجلس خبرگان مطالبی نوشته شود.

زمان به سرعت می‌گذرد
هپاتیت را جدی بگیریم
ما را در راه یاری رساندن به بیماران صعب العلاج یاری دهید
حساب جاری: ۷۶۶۷/۶۳
بانک سپه میدان هفتم تیر تهران
به نام انجمن خیریه حمایت از بیماران کبدی تلفن: ۸۸۸۹۴۴۳۳

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد الغدیر
ارائه دهنده خدمات آموزشی فنی و حرفه ای (دوره های کامپیوتر، حسابداری و...)، توان بخشی و مشاوره ای صد در صد رایگان ویژه معلولین جسمی حرکتی جهت ترم تابستان کار آموز می‌پذیرد.
آدرس شعبه جنوب غربی: تهران، یافت آباد، میدان الغدیر، ضلع شمالی پارک شهدای یافت آباد، شماره ۱۳۶، تلفن: ۵-۶۶۳۰۵۳۵۲
شماره حساب کمک های مردمی: جاری ۱۴۳۰ بانک صادرات شعبه خلیج کد ۴۲۷۹ به نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
www.south-raad.org

آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک
بنیاد خیریه با بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت
همیشه چشم انتظار حمایت های شما نیک اندیشان هستیم.
یاری شما در ساخت آسایشگاه درحال احداث محمدشهر کرج با ظرفیت ۱۶۳۰ نفر را پاس می‌داریم.
الف - حساب جاری ۷۰۰ بانک صادرات شعبه باقرشهر، شهر ری کد شعبه ۱۲۴۸
ب - حساب جاری ۴۲۲۱۵ بانک ملی ایران شعبه استاد نجات الهی کد شعبه ۴۵۲
ج - حساب جاری آسایشگاه محمد شهر کرج ۴۴۰۴ بانک ملی شعبه اسکان کد شعبه ۲۷۱
تلفن مدیریت آسایشگاه: ۵۵۲۰۲۹۰۰
تلفن دفتر مرکزی و مشارکت های مردمی: ۸۸۸۲۶۰۹۲ - ۸۸۸۴۸۱۸۹
تلفن دفتر آسایشگاه محمد شهر کرج در تهران: ۸۸۹۸۴۴۴۴
آدرس و تلفن دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، اول خیابان شهید ملایری پور پلاک ۱۰۶، تلفن مشارکتها: ۸۸۸۲۶۰۹۲ تلفن دفتر حقوقی: ۸۸۸۲۷۷۲۴

شرکت تجارت الکترونیک پارسیان
بانک پارسیان
دارندگان کارت‌های خودپرداز بانکی (بانک‌های عضو شتاب)
در سومین جشنواره قرعه‌کشی پارسیان با ۵ میلیارد ریال جایزه نقدی
۳۰۲ نفر از دارندگان کارت بانک‌های عضو شتاب که از شبکه گسترده فروشگاهی بانک پارسیان در سراسر کشور خرید نموده‌اند برنده جوایز نقدی شدند اسامی این برندگان را در سایت اینترنتی WWW.PEC.IR ملاحظه نمایید.